

جسد تکه تکه شده دختر جوانی در حوالی روستای دره آسار در جاده چالوس پیدا شده است. بنابر اعلام سرپرست ایستگاه آتش نشانی آسار ا جسد تکه تکه شده دختر جوانی در جاده چالوس کشف شد. سرپرست ایستگاه آتش نشانی آسار در بیان جزئیات این خبر اعلام کرد: جسد تکه تکه شده دختر جوان در محدوده روستای دره پیدا شده است.

خطرزد

پیشگیری از سرقت خودرو

۱- اتومبیل خود را به لوازم ایمنی نظیر دزدگیر، سوئیچ مخفی، قفل فرمان، قفل پدال و... تجهیز کنید.

۲- از پارک کردن خود در نقاط خلوت و تاریک خودداری کنید.

۳- در هنگام تفریح و مسافرت اتومبیل خود را در مکانی امن و پارکینگ های عمومی پارک کنید.

۴- چنان چه اتومبیل خود را در پارکینگ یا حیاط منزل پارک می کنید از قفل بودن درهای خود ومطمئن شوید.

۵- در هنگام وقوع حادثه ومراجعه به مراکز درمانی خونسردی خود را حفظ و هنگام ترک خودرو نکات ایمنی را رعایت کنید.

۶- در هنگام تصادف یا نزاع های خیابانی که احتمال صحنه سازی وساختگی بودن آن ها وجود دارد مراقب خود و اتومبیل تان باشید.

۷- در صورت خرابی و نقص خودرو، آن را به تعمیر کاران مجاز بسپارید و از در اختیار گذاشتن سوئیچ خودرو خودداری کنید.

رئیس پلیس پیشگیری خراسان رضوی اخبار

پلیس: عاملان شهادت ۲ دریابان در میناب بازداشت شدند

عاملان شهادت دو دریابان مینایی شناسایی و بازداشت شدند. به گزارش تسنیم، به نقل از پایگاه اطلاع رسانی ناجا، عاملان شهادت دو دریابان در میناب شناسایی و دستگیر شدند. بنابر این گزارش، در راستای مقابله با قاچاق کالا در دریای جنوب (منطقه میناب)، طی چند روز گذشته مأموران دریابانی هم‌زمان با اشراف اطلاعاتی و تحت کنترل قرار دادن منطقه از وجود مقادیر قابل توجهی مواد مخدر، سوخت، اhashام و سایر اقلام مطلع شدند. پس از تحت کنترل قرار گرفتن منطقه، دریابانان دیروز برای توقیف شناور به منطقه میناب اعزام شدند و به محض مشاهده قاچاقچیان فرمان ایست صادر کردند. قاچاقچیان با مشاهده مأموران باآن‌ها درگیر شدند که در این درگیری دونفر از دریادلان پایگاه دریابانی میناب به نام‌های "استوار یکم سجاد افراسیابی" و "گروهبان یکم حسن کریمی" به درجه رفیع شهادت نایل آمدند.

دزد کابل در چنگ پلیس

توکلی -فرمانده انتظامی شهرستان کرمان از دستگیری سارق سیم و کابل برق توسط ماموران انتظامی خبر داد. به گزارش خبرنگار گام، سرهنگ "فداه اظهار کرد: در پی وقوع چندین فقره سرقت سیم و کابل برق در شهر کرمان، دستگیری عامل یا عاملان سرقت به صورت ویژه در دستور کار ماموران قرار گرفت. وی افزود: ماموران کلانتری ۱۲ شهر کرمان با انجام تحقیقات میدانی و اقدامات اطلاعاتی توانستند مشخصاتی از سارق به دست آورند. وی گفت: ماموران انتظامی در ادامه با اطلاعات دریافتی پس از کسب اجازه از مقام قضایی در یک اقدام ضربتی سارق را در داخل مخفیگاهش غافلگیر و دستگیر کردند. این مسئول انتظامی خاطر نشان کرد: در بازجویی های تخصصی پلیس، متهم باتوجه به شواهد و مدارک موجود چاره ای جز بیان حقیقت نداشت و به ۱۳ فقره سرقت سیم و کابل برق در شهر کرمان اعتراف کرد.

تصادف خونین اتوبوس و تریلی

در تصادف یک دستگاه اتوبوس با یک دستگاه تریلی در کیلومتر ۳۰ محور کاشان به قم که بامداد دیروز اتفاق افتاد، دو نفر کشته و ۱۸ نفر مصدوم شدند و زخمی شدگان با اتوبوس آمبولانس اورژانس به مراکز درمانی انتقال یافتند.

اجاره سالن در سجاد ۳۰۰ متر همکف - ۴۰۰ متر اول جهت کلینیک زیبایی ، سالن بدنسازی مزون، آرایشگاه، هایپرمارکت و غیره ۰۹۱۵۳۱۰۷۴۶۰

۰۹۱۵۳۱۰۷۴۶۰



جسد تکه تکه شده دختر جوان در جاده چالوس کشف شد

بازسازی صحنه جنایت های هولناک در پاتوق سیاه انجام شد

اعترافات وحشتناک قاتل سریالی



همین منزل ارثیه ای زندگی می کرد، شدت می گرفت تا این که زمستان گذشته روزی تصمیم به قتل او گرفتم. آن روز وقتی وارد خانه شدم، برادرم داخل اتاق بود، بلافاصله از پشت سر چند ضربه به سرش کوبیدم و سپس از او خواستم تا دست هایش را در اختیارم بگذارد که آن‌ها را با طناب ببندم برادرم اصلا فکر نمی کرد که من قصد کشتن او را دارم به همین دلیل خیلی کم مقاومت کرد! من دست و پاها و دهانش را بستم! متهم در حالتی که این جملات را خیلی طبیعی و با خونسردی بر زبان جاری می کرد به چند کاشی شکسته در محل نیز چشم دوخت و ادامه داد: البته با این کاشی ها چند ضربه هم به سرش زدم و بعد هم مقداری از لوازم منزل را روی سرش ریختم تا این که خفه شد. سپس جسدش را کشان کشان به اتاق (انباری) آن سوی حیاط (اکنون دیوارهای انباری مذکور تخریب شده) بردم ورها کردم دو روز بعد بوی تعفن جسد بلند شد و هشامم را آزار می داد برای آن که از شر جسد خلاص شوم آتشی با خار و خاشاک و چوب در گوشه حیاط برافروختم و جسد برادرم را به آتش کشیدم ولی باز هم نمی دانستم با جسد سوخته چه کنم! این بود که چمدان مسافرتی را آوردم و جسد

سوخته را در آن گذاشتم و آن را درون چاله ای که در حیاط منزل حفر کرده بودم، انداختم و دفن کردم. مدتی از این ماجرا گذشت و من همچنان به زندگی روزمره خودم ادامه می دادم و گاهی هم مواد مخدر صنعتی می فروختم تا این که روزی جلیل (یکی از دوستان جبار) زنی حدود ۵۵ساله را برای استعمال مواد مخدر به خانه ام آورد، او از خیلی قبل با برادرم دوست بود و به طور آزادانه به منزل ما رفت و آمد داشت. آن روز جلیل زن ۵۵ ساله را نزد من گذاشت و خودش به منظور تهیه مواد مخدر برای آن زن بیرون رفت و دیگر بازنگشت. من هم که مقداری شیشه کشیده بودم به خواب عمیقی فرو رفتم وقتی بیدار شدم فهمیدم که یک بسته از مواد مخدرم نیست! چون کسی به جز آن زن ضایعات جمع کن در خانه نبود به او مشکوک شدم و گفتم مواد مرا بده! ولی او کاملاً موضوع را انکار کرد. به او گفتم هر کجا پنهان کرده ای بیرون بیاور تا با هم بکشیم! ولی باز هم زیر بار نرفتم من که دیگر عصبانی شده بودم مانند جبار دست و پاها و دهانش را بستم و مقداری از لوازم منزل را روی پیکرش ریختم تا این که جان سپرد.

تا سپیده دم کنار جسد بودم و با خودم می اندیشیدم که چگونه از شر این

جسد خلاص شوم این بود که جسد زن ۵۵ساله را درون یک تکه موکت گذاشتم و طناب پیچ کردم ساعت ۴ صبح جسد را روی دوشم انداختم و وقتی دیدم خیابان کاملاً خلوت است و کسی نیست به کوچه بالاتر بردم و کنار زمین مخروبه رها کردم. اودر پاسخ به سوال قاضی میرزایی که پرسید چرا جسد را به انتهای زمین مخروبه نبردی تا پنهان بماند؟ گفت: آن لحظه خیلی ترسیده بودم و فقط می خواستم از شر جسد رها شوم این بود که آن را در همان ابتدای زمین مخروبه انداختم و بلافاصله هم به خانه ام رفتم تا کسی مرا نبیند!

گزارش اختصاصی خراسان حاکی است، این متهم ۳۸ ساله در ادامه اعترافات تکان دهنده خود به ارتکاب سومین جنایت وحشتناک نیز اشاره کرد و گفت: روز بعد وقتی جلیل دوباره به خانه ام آمد به او گفتم: مرد حسایی چرا باز نگشتی! آن زن خمار بود به همین دلیل هم ساعتی بعد از منزل ما رفت که جلیل گفت: من مجبور شدم چند مسافر جابه جا کنم که دیگر دیر شد!

عامل قتل های سریالی در پاتوق سیاه اضافه کرد: از آن روز به بعد جلیل چند بار دیگر هم به خانه ام آمد و به نوعی از جبار سراغ می گرفت که من احساس کردم به موضوع مشکوک شدم و می دانه که بلایی سر برادرم



عامل قتل های سریالی در حال تشریح صحنه های جنایت در حضور قاضی میرزایی

سابقه خبر

ششم اسفند سال گذشته زنی با مراجعه به پلیس آگاهی خراسان رضوی، گم شدن همسرش را اطلاع داد و این گونه پرونده ای در دایره فقدانی ها با نظارت مستقیم سرهنگ محمد رضا غلامی ثانی (رئیس اداره جنایی پلیس آگاهی) تشکیل شدو گروه زنده ای از کارآگاهان به بررسی ماجرا پرداختند تا این که سرخ هایی از قتل مرد ۵۷ساله (جلیل) به دست آمدو سپس با راهنمایی ها و دستورات ویژه قاضی کاظم میرزایی تحقیقات وارد مرحله جدیدی شد. با کشف جسد مرد ۵۷ساله، علیرضا تحت تعقیب قرار گرفت و مدتی بعد در بندرعباس به دام افتاد.

فائزه هاشمی کدام خانه را به میترا استاد اجاره داده بود؟

دستکاری عجیب در تاریخ عقد میترا استاد با نجفی

آپارتمان صدرالاشاره» نوشت:...از آن همه عالی نشینی، یک واحد آپارتمان اجاره ای به مساحت ۱۲۱/۷ متر برای شروع زندگی مشترک آن‌ها بود (۱۳۹۷) و بعد از آن آپارتمان عاریه ای بود که مقتل عزیزمان شد. در تصویر اجاره نامه منزل قبلی که شفاف و خوانا نیست اما به نظر می رسد که تاریخ اجاره نامه از ۲۴ بهمن ماه ۹۶ تا ۲۴ خردادماه ۹۸ به مدت ۱۶ ماه یعنی تا ۱۰ روز دیگر است و مبلغ اجاره به صورت یک جا در ابتدا پرداخت شده بود.

در بخش توضیحات این اجاره نامه که خوانا نیست عبارت «در شرف از دواج می باشند» دیده می شود.

۵ عضو یک خانواده در استخر غرق شدند

نبودن با فن شنا و عمق استخر جان خود را از دست دادند. وی افزود: پس از تماس با اورژانس شبهه در محل «چاه داف» منطقه چاهک هرات تلاش های نیروهای اورژانس دو نفر در محل و سه نفر در بیمارستان فوت کردند. دهقان خاطر نشان کرد: این نخستین مورد غرق شدن افراد طی امسال در استان یزد است. هرات مرکز شهرستان خاتم در فاصله ۲۴۰ کیلومتری جنوب شهر یزد واقع شده است.

رئیس سازمان اورژانس ۱۱۵ یزد گفت: پنج نفر از شهروندان شهرستان خاتم دیروز سه شبه در محل «چاه داف» منطقه چاهک هرات در استخر کشاورزی غرق شدند. دکتر احمد دهقان عصر دیروز در گفت و گو با ایرنا افزود: یک دختر سه ساله و پسر پنج ساله هنگام بازی در استخر غرق شدند. وی اظهار کرد: پدر بزرگ یکی از کودکان و پدر مادر کودکان برای نجات فرزندان شان وارد استخر شدند که به علت آشنا

حوادث

۱۳



در امتداد تاریکی

من دزد نیستم!

می دانستم کسی که با او دست دوستی داده ام از دزدان حرفه ای است که قبلاً نیز به جرم سرقت روانه زندان شده بود اما این بار در حالی ترک نشین موتورسیکلت او بودم که اطلاعاتی از سرتقی بودن آن نداشت ولی همه شواهد و مدارک موجود مرا سارق نشان می دهد و کسی حرفم را باور نمی کند چرا که... جوان ۲۱ساله معتاد که مدعی بود مادرش مخارج زندگی اش را تامین می کند و او به خاطر رفت و آمد های دوستان معتادش از محل کار اخراج شده است به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری الهیه مشهد گفت: ۱۳ سال داشتم که مهربو عاطفه پدری را از دست دادم. پدرم اعتیاد شدیدی به مواد مخدر صنعتی داشت به همین دلیل مدام با مادرم درگیر بود تا جایی که دیگر کاسه صبر مادرم لبریز شد و او پدرم طلاق گرفت. اما تامین هزینه های زندگی در حالی برای مادرم سخت شده بود که حضانت من و خواهر کوچک ترم را نیز به عهده داشت. به همین دلیل از شهرستان به مشهد مهاجرت کریدیم و من با ترک تحصیل در مقطع راهنمایی در یک تعمیرگاه مشغول کار شدم تا کمک حال مادرم باشم که در منزل مردم کار گرمی می کرد تا این که روزی حین کار به تعمیرگاه دچار حادثه شدم و انگشت آسیب دید این گونه بود که به پیشنهاد دوستانم و برای تسکین درد به مصرف مواد مخدر روی آوردم و خودم را بدبخت کردم. مدتی بعد با رها کردن تعمیرگاه به نگهبانی در مزارع کشاورزی با ساختمان های در حال احداث مشغول شدم. آن جاد دیگر آزادانه با دوستانم مواد مخدر مصرف می کردیم تا این که در همین روزها با دختر نوجوانی آشنا شدم و به طور پنهانی در مکان های خلوت با یکدیگر قرار ملاقات می گذاشیم تا این که روزی فهمیدم در همین روابط شیطانی آبرو و حیثیت آن دختر را به بازی گرفته ام ولی آن زمان ۱۷ سال بیشتر نداشت و از ترس و وحشت نمی دانستم در برابر این ماجرا چه رفتاری از خودم بروز بدهم به همین دلیل سعی کردم از آن دختر مدتی دوری کنم ولی آبروی خانوادگی او در خطر بود تا این که با شکایت خانوادهاش با او دواج کردم و اکنون نیز صاحب یک فرزند دو ساله هستم با وجود این هر روز بیشتر در گرداب مواد مخدر صنعتی (کریستال) فرو می رفتم و از محل کارم نیز اخراج شده بودم. دیگر همه اوقاتم را با دوستان معتاد و خلافکارم می گذراندم تا این که یکی از دوستان سابقه دارم سراغم آمدو مدعی شد موتورسیکلت زیبایی خریده است و از من خواست تا با یکدیگر برای مصرف مواد مخدر نزدیکی از دوستانش در منطقه الهیه برویم.

«فرشید» قبلاً به خاطر دستبرد به یک فروشگاه مواد غذایی دستگیر و روانه زندان شده بود اما فکر نمی کردم موتورسیکلت او نیز سرتقی باشد به همین دلیل سوار بر موتورسیکلت او به سمت ساختمان نیمه کاره ای حرکت کردیم که دوست فرشید نگهبان آن جا بود. در نزدیکی محل آن ساختمان در حال احداث من از ترک موتور پیاده شدم و از فروشگاه های در همان نزدیکی سیگار و آب میوه خریدم وقتی وارد اتاقک نگهبانی شدیم فرشید به سمت سرویس بهداشتی رفت که در پایین ساختمان قرار داشت ناگهان سروصدای چند نفر بلند شد که فریادی زدند دزد موتور فرار کرد آن جا بود که تازه متوجه شدم منظور آن ها فرشید است چند دقیقه بعد پلیس رسید و مرا که کنار موتور سرتقی بودم دستگیر کرد. مال باخته که همراه چند شهروند دیگر بود با ردیابی و پرس و جواز فرورونده مغازه ای که دقایقی قبل از او سیگار خریده بودم به محل ساختمان نیمه ساز آمده و با دیدن موتورسیکلتش با پلیس تماس گرفته بود ولی فرشید با دیدن چند نفر که به دنبال سر نشینان موتورسیکلت می گشتند از آن جافرا کرده بود به همین دلیل پلیس مرا دستگیر کرد حالا هم کسی حرفم را باور نمی کند و اصرار می کنند که باید آدرس فرشید را در اختیارشان بگذارم...»

شایان ذکا است به دستور سرهنگ توفیق حاجی زاده (رئیس کلانتری الهیه) این متهم توسط ماموران زبده تجسس کلانتری مورد بازجویی های تخصصی قرار گرفت.

ماجرا ی واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی